



صاحب ریاض و حاشیه‌های حمله وهابیان به کربلا

محمدباقر پورامینی

کربلای معلی در دهه‌های نخست قرن سیزدهم هجری قمری، یک حوزه علمیه فعال و گسترده داشت و حضور عالمان و مجتهدان طراز اول در آن، نشاط علمی منحصر به فردی را بدان بخشیده بود. سید علی طباطبایی، معروف به «صاحب ریاض» زعیم بزرگ حوزه علمیه کربلا به شمار می‌رفت.

سید علی بن محمدعلی بن ابی‌المعالی طباطبایی حائری (۱۱۶۱ - ۱۲۳۱ق) در کاظمین به دنیا آمد. او در کربلا نزد دایی خود وحید بهبهانی (متوفای ۱۲۰۵ق) رشد کرد و بعدها داماد او گردید. سید بیشترین بهره علمی را از وحید برد؛ به گونه‌ای که استادش او را «ولدی الروحی» توصیف می‌کرد.^۱

اثر مهم فقه استدلالی او «ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل» است که از شرح‌های معتبر کتاب «مختصر النافع» تألیف محقق حلی (متوفای ۶۷۶ق) می‌باشد.^۲ گرچه سید درباره این شرح مدعی بود که «إنی ما أردت به النشر بل المشق و التمرین فرفعه الله ما رفع»،^۳ اما همگان اذعان دارند که این اثر ممتاز و فاخر، بهترین شرح کتاب «مختصر النافع» به شمار می‌رود و از این رو طباطبایی به نام «صاحب ریاض» شهرت یافته است.^۴ کتاب ریاض مدتی کتاب درسی بود گویا مرحوم آیت‌الله میرزا جواد ملکی تبریزی آن را در مدرسه فیض تدریس می‌کرده است.

در مکتب علمی او در حوزه کربلا، شخصیت‌های ناموری پرورش یافتند. این چهره‌های فاخر و فقهای بزرگ هر یک، از مرجعیت علمی بی‌نظیری برخوردار بودند.^۵ ابوعلی حائری مازندرانی (متوفای ۱۲۱۵ق) صاحب کتاب «منتهی المقال»؛ سید محمدجواد حسینی عاملی (متوفای ۱۲۲۶ق) صاحب کتاب «مفتاح الکرامه»؛ شیخ اسدالله تستری (متوفای ۱۲۳۶ق) صاحب کتاب «مقابس الأنوار»؛ شریف العلمای مازندرانی (متوفای ۱۲۴۵ق)؛ سید محمدباقر شفتی (متوفای ۱۲۶۲ق) معروف به «حجة الاسلام» صاحب کتاب «مطالع الأنوار»؛

شیخ محمدابراهیم کلباسی (متوفای ۱۲۶۲ق) صاحب کتاب «الإشارات» از پرورش یافتگان این حوزه به شمار می‌آیند؛ چنان که صاحب «مفتاح الکرامه» از استاد خود یاد می‌کرد: «سیدنا و أستاذنا، الأمير الكبير، السيد علی أعلى الله شأنه».^۶

اقتدار علمی و زعامت صاحب ریاض در کربلا به گونه‌ای بود که شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (۱۱۵۴-۱۲۲۸ق) که پیشوای حوزه نجف اشرف شناخته می‌شد، از او با

◆ اقتدار علمی و زعامت صاحب ریاض در کربلا به گونه‌ای بود که شیخ جعفر کاشف‌الغطاء (۱۱۵۴-۱۲۲۸ق) که پیشوای حوزه نجف اشرف شناخته می‌شد، از او با عنوان «أفضل العلماء العاملين مولانا و مقتدانا میر سید علی دام ظلّه» یاد می‌کرد.



عنوان «أفضل العلماء العاملين مولانا و مقتدانا میر سید علی دام ظلہ» یاد می‌کرد.^۷ از سید، دو فرزند به نام‌های سید محمد و سید مهدی به یادگار ماند. سید محمد مجاهد (متوفای ۱۱۸۰ - ۱۲۴۲ق) نویسنده دو کتاب «المناهل» و «مفاتیح الأصول» داماد علامه بحر العلوم است.

حمله وهابیان به کربلای معلی در سال ۱۲۱۶ قمری در دوره زعامت و پیشوایی صاحب ریاض صورت گرفت. این حادثه غمبار با حاشیه‌هایی همراه بود که به چند مورد آن اشاره می‌شود.

کربلای معلی در غدیر ۱۲۱۶ قمری

هجوم وحشیانه وهابیان نجد، همزمان با عید سعید غدیر سال ۱۲۱۶ قمری بود. در این روزها بسیاری از مردم کربلا برای زیارت امیر مومنان علیه السلام راهی نجف اشرف شده بودند. وهابیان به فرماندهی سعود، فرزند عبدالعزیز، به صورت غافل‌گیرانه وارد کربلا شدند. آنان از زاویه یکی از زائرسراها در ناحیه «باب المخیم» روزنه‌ای در دیوار گشودند و به طور ناگهانی به نزدیک‌ترین دروازه‌های شهر حمله کردند و داخل شهر شدند. مردم وحشت کردند و سراسیمه پا به فرار گذاشتند و نمی‌دانستند چه کاری باید انجام دهند.^۸ سستی و گریختن فرماندار کربلا به نام «عمر آغا» که سنی متعصبی بود نیز در ورود وهابیان موثر بود؛ زیرا او هیچ کاری برای دفاع از کربلا انجام نداد.^۹

وهایان با شعار «اقتلوا المشركين و اذبحوا الكافرين»^{۱۰} بسیاری از مردم بی دفاع را از دم دیغ گذراندند. آنان حدود پنجاه نفر را نزدیک ضریح و پانصد نفر را نیز بیرون حرم و در صحن به قتل رساندند.^{۱۱} به گزارش عثمان بن بشر نجدی، مهاجمان وهابی بسیاری از اهل آن جا را در کوچه و بازار و خانه‌ها کشتند؛ روی قبر حسین علیه السلام را خراب کردند و آنچه در داخل قبه بود، به چپاول بردند و هر چه در شهر از اموال، اسلحه، لباس، فرش، طلا و قرآن‌های نفیس یافتند، ربودند. نزدیک ظهر در حالی که نزدیک به دوهزار نفر از اهالی کربلا را کشته بودند، از شهر خارج شدند.^{۱۲} این مؤلف نجدی به دوهزار کشته گواهی داده است؛ لکن در منابع دیگر به آمار بیشتری اشاره شده است؛ آن گونه که در مدت شش ساعت بین ۵ تا ۷ هزار را به شهادت رساندند^{۱۳} که در میان اجساد شهدا، از علمای محققین و فضیلاي صاحب یقین نیز وجود داشت.^{۱۴}

شیخ عبدالصمد همدانی، نویسنده «بحر المعارف» که ۴۰ ساله در کربلا زیسته بود، در حادثه حمله وهابیان به کربلا به دست آنان شهید شد.^{۱۵}

صاحب ریاض و نجات معجزه آسا

وهایان برای کشتن سید علی صاحب ریاض در پی او بودند و به نقل صاحب «روضات الجنات» بانگ می‌زدند «این میرعلی؟!»، سید همسر خود را به جای دیگری فرستاد و تنها با یک کودک شیرخوار در خانه ماند و چون وهابی‌ها به خانه او ریختند، سید بچه را در بغل گرفت و در یکی از بالاخانه‌ها که محل همزم بود، آن طفل را به سینه چسباند و در زیر سبدي پنهان شد. وهابیان خانه را گشتند و سید را پیدا نکردند. وارد بالاخانه نیز شدند، ولی

هجوم وحشیانه وهابیان نجد، همزمان با عید سعید غدیر سال ۱۲۱۶ قمری بود. در این روزها بسیاری از مردم کربلا برای زیارت امیرمومنان علیه السلام راهی نجف اشرف شده بودند. وهابیان به فرماندهی سعود، فرزند عبدالعزیز، به صورت غافل‌گیرانه وارد کربلا شدند.

وهایان با شعار «اقتلوا المشركين و اذبحوا الكافرين» بسیاری از مردم بی دفاع را از دم دیغ گذراندند. آنان حدود پنجاه نفر را نزدیک ضریح و پانصد نفر را نیز بیرون حرم و در صحن به قتل رساندند. به گزارش عثمان بن بشر نجدی، مهاجمان وهابی بسیاری از اهل آن جا را در کوچه و بازار و خانه‌ها کشتند.

سید را ندیدند. آنان با این خیال سید در زیر هیزم‌ها پنهان شده، هیزم‌ها را برداشتند و روی آن سبد ریختند! زمانی که مایوس شدند، باز گشتند و در تمام آن مدت، آن طفل هیچ گریه نکرد و این دو به شکل معجزه آسایی نجات یافتند.^{۱۶}

حرم امام و تربت مطهر

آیت‌الله آقا موسی زنجانی در اثر گرانسنگ خود که به تازگی به چاپ رسیده، این گزارش را نقل می‌کند:

آمیرزا ابوالقاسم ملا (مؤسس میرزایی‌های زنجان) و پدرش آسید کاظم، شاگرد صاحب ریاض بود. وقتی مطلع می‌شود که وهابی‌ها به منزل صاحب ریاض حمله کرده‌اند، می‌گوید زودتر برویم استادمان را نجات بدهیم. به منزل صاحب ریاض می‌روند و ایشان را با آن طفل شیرخواره از زیر سبد نجات می‌دهند. نفس‌های آخرشان بوده و اگر دیر می‌آمدند، تلف می‌شدند. بعد می‌گویند برویم حرم، زیارت کنیم. غسل می‌کنند و به حرم می‌روند. آسید کاظم در عتبات ساکن بود. وقتی به حرم می‌روند، می‌بینند که وهابی‌ها ضریح مطهر را سوزانده‌اند و با آن قهوه درست کرده‌اند، با آن که قهوه را حرام می‌دانسته‌اند! می‌بینند که گوشه‌ای از قبر شکاف برداشته است. آسید کاظم نگاه می‌کند و می‌گوید: من قطعه‌ای از بدن را حس می‌کنم. صاحب ریاض هم نگاه می‌کند و می‌گوید: نظر من هم همین است. (البته الان تردید دارم کدام تقدم داشت). سپس آسید کاظم می‌گوید: الان وقت تربت برداشتن است. ایشان دستمال سفیدی داشت. با دست مقداری از تربت را برداشت و در دستمال گذاشت. دستمال قرمز شد. مقداری از آن تربت را خودش برداشت و مقداری هم به صاحب ریاض داد. وقتی آسید کاظم از دنیا رفت، برادرش میرکریم که فرد ساده‌ای بود، آن تربت را برداشت و تبدیل به مهر کرد و بین این و آن تقسیم نمود. آمیرزا ابوالقاسم که در آن وقت سیزده یا چهارده ساله بود، وقتی سال‌های بعد از ماجرا مطلع می‌شود، خیلی به این طرف و آن طرف می‌زند و سرانجام یکی از آن مهرها را به دست می‌آورد و این مهر پیوسته در بیت آمیرزا ابوالقاسم بود. من حدس می‌زنم که از این مهر به احفاد آقا محمدعلی (فرزند وحید بهبهانی) داده باشند؛ چون بیت صاحب ریاض با آنها قرابتی داشتند. در بیت آقا محمدعلی یکی از این تربتهای اصل بوده است.^{۱۷}

پی‌نوشت‌ها

۱. رک: سید علی طباطبایی، ریاض المسائل (چاپ جدید)، مقدمه، ص ۳۰.
۲. برای کتاب «النافع فی مختصر الشرایع» یا «مختصر النافع» شروح متعددی نگاشته شده است. محقق حلی کتاب معروف معتبری را در شرح آن نگاشته است. همچنین شروح معتبر و بارزشی همچون «کشف الرموز»، «ریاض المسائل»، «غایة المرام» و نظایر آن بر کتاب مختصر النافع تألیف شده است.
۳. محمدباقر موسوی خوانساری، روضات الجنات، ج ۴، ص ۴۰۱ و ۴۰۲.
۴. مؤلف ابتدا مجلد دوم آن را از کتاب اجاره تا آخر دیات در سال ۱۱۹۲ به پایان رسانده و مجلد اول آن را از کتاب طهارت تا کتاب عاریه و ودیعه در سال ۱۱۹۶ به پایان رسانده است. در این سال با توجه به سال تولد مؤلف که ۱۱۶۱ می‌باشد، مؤلف ۳۵ ساله بوده است. (طهرانی، الذریعة ج ۱۱ ص ۳۳۶).
۵. محسن امین عاملی می‌نویسد: «هو المحقق المؤسس الذی ملأ الدنیا ذکرة و عم العالم فضله، تخرج علیه علماء اعلام و فقهاء عظام صاروا من اکابر المراجع فی الإسلام کصاحب المقابیس و صاحب المطالع و صاحب مفتاح الکرامة و أمثالهم من الاجلة». اعیان الشیعه، ج ۸، ص ۳۱۴.
۶. میرزا حسین نوری، خاتمه المستدرک، ج ۲، ص ۱۲۰.
۷. کاشف الغطاء، الحق المبین، ص ۸۸.
۸. لونکریک، چهار قرن از تاریخ عراق، ص ۲۳۳.
۹. میرزا ابوطالب اصفهانی، مسیر طالبی، ص ۳۶۲.
۱۰. مسیر طالبی، ص ۴۰۸.
۱۱. چهار قرن از تاریخ عراق، ص ۲۳۳.
۱۲. نجدی، عنوان المجد فی تاریخ نجد، ج ۱، ص ۱۲۱، حوادث سال ۱۲۱۶.
۱۳. مسیر طالبی، ص ۴۰۸؛ رضاقلی هدایت، روضة الصفا ناصری، ج ۹، ص ۳۸۱.
۱۴. روضة الصفا ناصری، ج ۹، ص ۳۸۱.
۱۵. «استشهد رحمة الله علی ید الوهائیین أتباع سعود الحنبلی فی کربلاء عند غارتهم علیها و ذلك یوم الأربعاء المصادف عید الغدیر سنة ۱۲۱۶ق و دفن فی الأیوان الحسینی الشریف». طهرانی، الکرام البرره، ج ۲، ص ۷۳۷.
۱۶. روضات الجنات، ج ۴، ص ۴۰۵ و ۴۰۶.
۱۷. شبیری زنجان، جرعه‌ای از دریا، ج ۲، ص ۳۳۵-۳۳۷.

وقتی به حرم می‌روند، می‌بینند که وهابی‌ها ضریح مطهر را سوزانده‌اند و با آن قهوه درست کرده‌اند، با آن‌که قهوه را حرام می‌دانسته‌اند! می‌بینند که گوشه‌ای از قبر شکاف برداشته است.

وهابیان برای کشتن سید علی صاحب ریاض در پی او بودند و به نقل صاحب «روضات الجنات» بانگ می‌زدند «آین میرعلی؟». سید همسر خود را به جای دیگری فرستاد و تنها با یک کودک شیرخوار در خانه ماند.